

کجا نذر خواهر عزیزم از دورتر میسوم

پسر از سلام گرم آرزو سلامتی و خوشی تر دادم مدت طولانی بود از عاها
 بی خبر بودم تا اینکه بقیه قبل هر خان نامه آوردند خودم در کمر من
 رفته بودم دلگرا این را ندیدم ولی تلفی شب در تماسی بیستم از حال
 ما با بخوابید بیستم مشغول زندگی و زد و خورد با گران و دو میا ستم
 خواهر عزیزم من از آثار گامیاب و چهار ساله ان بیستم این منی تلفی
 میکند خانی دوست ما در زندان است خود ایران و کجایی در زندان
 هست که حال بی فرزند عا نیسم ما هم ملی خوب بچه ها کردن خانواده
 او تر خانواده میسوم دوریم بیستم تر است خوشی برار
 اسفند با آوا به ایران بیاید و در راه فرودش برگردد من برار ۲۰ فروردین
 به آبر کاهیم رفت باید آنا هم را عمل کنم فعلا کمی کسالت
 دارم با همزن روز قبل امتحانم روز صندلی دسته آن ف را آورد
 به دنده با هم ساعت ۲ است همشما برید برار علی برار و الان
 بعد از وقت بیوز مثلا سه در دستة انخوان و نفس کشیدن برار منی
 مشکل است با چهار تاکی که اطلالم هست شما منظره کشیده ام
 منو انم کجور انم مشغول خوردن قرص و مالیدن نیاد بیستم

کما را با تو را ام ایام آمدن تو یعنی وقت و آمدن ایام عید و رفتی
 خود من سرما بملکی دست بلم داده ولی همه آنها میگذرد در
 این موقع فوت جایز میزند برادر را که بیستی آمده که من نتوانم
 صافش او بروم چون خودم تکوان نمیتوانم بخورم ولی بر همه خود
 گذشت صافها رفت روسایهی به ذغال ما نزد من خوب میروم
 ایام عید آناله خوشی میگذرد رستخاف و سرما هم میرود اما
 اگر بر همه نرود گران بی تر میشود شاید که بخورد آنم برادر را آدم که
 مثل ما هم بگذرد چه بدید فرعی ندارد خلاصه چون میدارم سرم
 شلخ میشود اینها سردا بزیست منویم که آناله بدست
 رسد با ملکی خوب خوشی استم حال تو بزار بزار مرسته لیلوزا
 خالی است امیدوارم عید صومسال خورا خوشی در سلامتی یا
 خانوادات نسبت سر بگذار و سال تو را به میره شایسته یک میگویم
 سلام گرم و بزرگوارت در آید اما بدیع بیرون میروم و مهر داد
 منرمندم برسان از دور ملکی آله را صوموم و بزار با رفیقان
 میروم در ضمن تو ابرهات اگر بفری با آمدن من بزار خودم سرگرمی
 دارم و آن تار است که ضلع دعوت دارم و منم کل شکر را
 منم بیاد مهر داد عمر منم که با بیاد منم قدر دستها را بفرستی
 بشوم قدر این سیرا داشته باشی قربانت بودم نصرت